

نکاح اسلامی همان زنا ی قانونی

نکاح اسلامی همان زنا ی قانونی است. برای تبیین این جمله مقدم بر هر چیز رسیدن به تعریفی درست از ازدواج ، روابط زناشویی و زنا است.

ازدواج رابطه ای است ، بین زن و مرد که باید تنها نقطه ی اتصال و حلقه ی رابط بین آنها مفهومی به نام عشق باشد یعنی در روابط زناشویی تنها نیازی که باید زن و مرد به یکدیگر داشته باشند نیاز عشقی یا همان نیازهای معنوی است به عبارت دیگر نیازهای مادی در روابط زناشویی وابستگی ایجاد میکند ، برای مثال اگر مردی نسبت به زن خود از آن جهت احساس نیاز کند که امور خانه را مدیریت کند این یک نوع وابستگی است که این نیاز را یک خدمتکار هم میتواند تامین کند.

اما نوع ارضای نیازهای معنوی به تعداد انسانها متفاوت است و امری به نام جایگزینی محال.

برای مثال هیچگاه عشقی که فرزند از طرف والدین تحصیل میکند نمیتواند از افراد غیر همان گونه عشق ورزی را با همان کیفیت تجربه کند. آن زمان میتوان رابطه انسانها را عاشقانه نامید که همه انسانها از نظر مادی استقلال داشته باشند و هیچ گونه احساس وابستگی مادی نسبت به یکدیگر نداشته باشند (حتی از نظر ارضای نیاز جنسی) آنگاه اگر باز برای با هم بودن تمنا و نیازی احساس کردند آن نیاز نامش عشق است و آن رابطه را میتوان عاشقانه نامید.

اما زنا رابطه ای کاملا مادی است برای مثال زنی برای مرتفع کردن مشکلات اقتصادی تن به خود فروشی میدهد و همین طور مرد برای ارضای نیاز جنسی تن به رابطه ای کاملا مادی میدهد ، ناگفته پیداست تامین این گونه نیازها با برقراری رابطه با هر شخصی امکان پذیر است ، اما همان گونه که در تعریف عشق و روابط عاشقانه مطرح شد ، ارضای نیازی به نام عشق احتیاج به رابطه ای خاص دارد که با توجه به این تعریف فقط سیستم (تک همسری) قابل توجیه است.

حال با بررسی اسلام و نگاه آن به رابطه زناشویی میتوان دریافت که خدای محمد کمترین درکی از مفهومی به نام عشق ندارد.

۱ - یکی از احکام اسلامی همان مجوز اختیار کردن چندین زن توسط یک مرد در صورت رعایت عدالت است که در آیه ی ۳ سوره نساء تشریح شده است.

" اگر بترسید که مبادا درباره ی یتیمان مراعات عدل و داد نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود آرید که مر شما را نیکو و مناسب با عدالت است دو یا سه یا چهار و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نیپیموده و به آنان ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کرده و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید که این نزدیکتر به عدالت و ترک ستم کاری است "

" سوره نساء آیه ۳ "

در این آیه نگاه مادی اسلام نسبت به روابط زناشویی را کاملا آشکار میکند ، چون عدالت تصریح شده در آیه عدالت مادی را مد نظر دارد ، مانند عدالت در تقسیم خوراک و پوشاک و عدالت در همبستر شدن با زنان و ... اما برقراری عدالت در مفهومی به نام عشق و تقسیم عادلانه آن امری است محال ، چون عشق که کمی و قابل اندازه گیری نیست که بتوان آنرا مانند نان و برنج تقسیم کرد و عشقورزی و علاقمندی امری اختیاری نیست.

شاهد این امر ، زندگی محمد تنورسین اسلام (که شرح مبسوطی از زندگی او در همین سایت افشاگر رفته است) آشکارا نشان میدهد که برای مثال تمایل و عشقی که محمد نسبت به عایشه سوگلی حرم سرای خود دارد نسبت به

دیگر زنانش به هیچ عنوان روا نمیدارد.

۲ - اسلام مرد را موظف به تامین نیازهای اقتصادی خانواده و زن میکند (با تابیری به عنوان پرداخت نفقه به زن) و زن را به تمکین از مرد به واسطه ی همین نفقه وامیدارد. که شرح آن در آیه ۳۴ سوره نساء رفته است.

" مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه ی آنکه مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فرموده نگه دارد و زناتیکه از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنان دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید. چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچ گونه ستم ندارید که همانا خداوند بزرگوار و عظیم الشان است."

" سوره نساء آیه ۳۴ "

و در آیه ۲۲۳ سوره بقره خدای محمد اینگونه میگوید که:

" زنان شما کشتزار شمایند پس برای کشت بدانها نزدیک شوید هرگاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی پیش فرستید و خدا ترس باشید و بدانید که محققا نزد خدا خواهید رفت و ای رسول تو بشارت ده اهل ایمان را."

" سوره بقره آیه ۲۲۳ "

آنچه از این آیات با توجه به تفسیر ها و شان نزول آنها درباب روابط زناشویی استنباط میشود ، این است که تنها نیازی که مرد و زن از نظر اسلام برای ادامه زندگی در قالب زناشویی نسبت به هم احساس میکنند نیازهای مادی است که در صورت ارضا نشدن آنها ، رابطه قطع میشود برای مثال با توجه به آیات مذکور مردان هر زمان که بخواهند میتوانند با زنان خود نزدیکی کنند و زن در این رابطه که کاملا رابطه ای دو جانبه است به هیچ وجه حق تصمیم گیری ندارد و در صورت مخالفت و عدم تمکین همان طور که در سوره نساء بیان شده است مرد میتواند شخصا اقدام کند و زن را به زدن تنبیه کند و یا با شکایت نزد حاکم شرع او را به تمکین وادار کند.

۳ - یکی از احکام اسلامی این است که زن حق دارد پول شیری که به فرزند خود میدهد از مرد خود مطالبه کند و مسلمانان این حکم را به عنوان نشانه های حقوق زنان در اسلام مطرح میکنند که این اوج کوتاه فکری و حماقت این جماعت متحجر است.

با وجود اینکه این حکم با موضوع نوشتار (مقایسه نکاح اسلامی و ازدواج انسانی) چندان سنخیت ندارد ، قصدمان آن است که نشان دهیم اسلام از عشق هیچ نمیداند و رابطه ای مانند رابطه مادر و فرزند را که باید در اوج معنویت باشد را به سافلتترین وضع ممکن تنزل میدهد.

موارد ذکر شده در این نوشتار و بسیاری از مستندات دیگر ، بیانگر این موضوع است که محمد و خدای محمد درکی از انسان که همانا ترجمان عشق ورزی و عشق است را ندارند. حال یک سوال از شما خواننده اندیشمند:

آیا وقت آن نرسیده است که اسلام را به زبانه دان تاریخ بسپاریم و بار دیگر، با نگاهی عاشقانه انسان را تعریف کنیم؟

"منفرد"

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kaviyani.com/parsi](http://derafsh-kaviyani.com/parsi)

derafsh-kaviyani.com